

Scientific Eric - Emsanoni
 Le studio qui ne pouvait pas grossir
 ISBN: 978-964-1253-25-3
 ۹۷۸۰۹۶۴۱۲۵۳۲۵۳
 ۹۷۸۰۹۶۴۱۲۵۳۲۵۳
 ۹۷۸۰۹۶۴۱۲۵۳۲۵۳
 ۹۷۸۰۹۶۴۱۲۵۳۲۵۳

سومویی که نمی توانست گنده شود

اریک - امانوئل اشمیت

مهشید نونهالی

اریک - امانوئل اشمیت در ۸ سپتامبر ۱۹۰۶ در حومه‌ای از شهر ایوز در جنوب فرانسه به‌زاده شد. پدرش یک مهندس بود و خانواده بسیار دانا و باهوشی بودند. امانوئل در ۱۹۲۷ تحصیلاتش را در پاریس به پایان رسانید و در آنجا با آنتوان ایتا آشنا شد. او در ۱۹۳۱ به سوئیس مهاجرت کرد و در آنجا با آنتوان ایتا ازدواج کرد. او در ۱۹۳۳ به فرانسه بازگشت و در ۱۹۳۴ به عضویت حزب کمونیست فرانسه درآمد. او در ۱۹۳۸ به عضویت حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی درآمد و در ۱۹۴۰ به عضویت حزب کمونیست آلمان درآمد. او در ۱۹۴۵ به عضویت حزب کمونیست آمریکا درآمد و در ۱۹۴۶ به عضویت حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی درآمد. او در ۱۹۴۸ به عضویت حزب کمونیست فرانسه درآمد و در ۱۹۵۰ به عضویت حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی درآمد. او در ۱۹۵۱ به عضویت حزب کمونیست فرانسه درآمد و در ۱۹۵۲ به عضویت حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی درآمد. او در ۱۹۵۳ به عضویت حزب کمونیست فرانسه درآمد و در ۱۹۵۴ به عضویت حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی درآمد. او در ۱۹۵۵ به عضویت حزب کمونیست فرانسه درآمد و در ۱۹۵۶ به عضویت حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی درآمد. او در ۱۹۵۷ به عضویت حزب کمونیست فرانسه درآمد و در ۱۹۵۸ به عضویت حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی درآمد. او در ۱۹۵۹ به عضویت حزب کمونیست فرانسه درآمد و در ۱۹۶۰ به عضویت حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی درآمد. او در ۱۹۶۱ به عضویت حزب کمونیست فرانسه درآمد و در ۱۹۶۲ به عضویت حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی درآمد. او در ۱۹۶۳ به عضویت حزب کمونیست فرانسه درآمد و در ۱۹۶۴ به عضویت حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی درآمد. او در ۱۹۶۵ به عضویت حزب کمونیست فرانسه درآمد و در ۱۹۶۶ به عضویت حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی درآمد. او در ۱۹۶۷ به عضویت حزب کمونیست فرانسه درآمد و در ۱۹۶۸ به عضویت حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی درآمد. او در ۱۹۶۹ به عضویت حزب کمونیست فرانسه درآمد و در ۱۹۷۰ به عضویت حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی درآمد. او در ۱۹۷۱ به عضویت حزب کمونیست فرانسه درآمد و در ۱۹۷۲ به عضویت حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی درآمد. او در ۱۹۷۳ به عضویت حزب کمونیست فرانسه درآمد و در ۱۹۷۴ به عضویت حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی درآمد. او در ۱۹۷۵ به عضویت حزب کمونیست فرانسه درآمد و در ۱۹۷۶ به عضویت حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی درآمد. او در ۱۹۷۷ به عضویت حزب کمونیست فرانسه درآمد و در ۱۹۷۸ به عضویت حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی درآمد. او در ۱۹۷۹ به عضویت حزب کمونیست فرانسه درآمد و در ۱۹۸۰ به عضویت حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی درآمد. او در ۱۹۸۱ به عضویت حزب کمونیست فرانسه درآمد و در ۱۹۸۲ به عضویت حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی درآمد. او در ۱۹۸۳ به عضویت حزب کمونیست فرانسه درآمد و در ۱۹۸۴ به عضویت حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی درآمد. او در ۱۹۸۵ به عضویت حزب کمونیست فرانسه درآمد و در ۱۹۸۶ به عضویت حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی درآمد. او در ۱۹۸۷ به عضویت حزب کمونیست فرانسه درآمد و در ۱۹۸۸ به عضویت حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی درآمد. او در ۱۹۸۹ به عضویت حزب کمونیست فرانسه درآمد و در ۱۹۹۰ به عضویت حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی درآمد. او در ۱۹۹۱ به عضویت حزب کمونیست فرانسه درآمد و در ۱۹۹۲ به عضویت حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی درآمد. او در ۱۹۹۳ به عضویت حزب کمونیست فرانسه درآمد و در ۱۹۹۴ به عضویت حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی درآمد. او در ۱۹۹۵ به عضویت حزب کمونیست فرانسه درآمد و در ۱۹۹۶ به عضویت حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی درآمد. او در ۱۹۹۷ به عضویت حزب کمونیست فرانسه درآمد و در ۱۹۹۸ به عضویت حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی درآمد. او در ۱۹۹۹ به عضویت حزب کمونیست فرانسه درآمد و در ۲۰۰۰ به عضویت حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی درآمد.



اریک - امانوئل اشمیت، نمایش نامه‌نویس، داستان‌نویس،
رمان‌نویس و کارگردان فرانسوی - بلژیکی، طی حدود ده سال
به صورت یکی از پرخواننده‌ترین نویسندگان فرانسوی‌زبان دنیا
درآمده است و آثارش به چهل زبان برگردانده شده است و
نمایش‌نامه‌هایش در بیش از پنجاه کشور به طور منظم به صحنه
می‌رود. او تحسین‌شده منتقدان است و برگزیده خوانندگان و چند
اثرش نیز به فیلم درآمده است.

اریک - امانوئل اشمیت در ۲۸ مارس ۱۹۶۰ در حومه‌ای از
شهر لیون در جنوب فرانسه متولد شد. در کودکی به موسیقی علاقه
بسیار داشت و در نه‌سالگی به آموختن پیانو پرداخت و ابتدا مایل
بود آهنگساز شود. اما معلمانش او را از این کار منصرف کردند
تا از همان نوجوانی استعداد آشکارش در نگارش را پرورش
دهد.

« در شانزده سالگی فهمیده بودم - یا تصمیم گرفته بودم -
که نویسنده‌ام، و نخستین نمایش‌نامه‌هایم را در دبیرستان
نوشتم و ایفا کردم. »

پس از گذراندن دوره ادبیات، در آزمون ورود به دانشسرای
عالی موفق می‌شود و از ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۵ به تحصیل در فلسفه
می‌پردازد و پایان‌نامه دکترایش را با عنوان « دیدرو و
مابعدالطبیعه » می‌نویسد که در ۱۹۹۷ با عنوان دیدرو و فلسفه
اغوا منتشر می‌شود. اشمیت چندین سال به تدریس فلسفه در
دبیرستان و سپس در دانشگاه اشتغال داشته است. او خود معتقد
است که فلسفه موجب نجاتش شده و به او آموخته است تا
خودش باشد و احساس رهایی کند. می‌گوید:

« من در دنیایی بی‌خدا پرورش یافتم و گمان می‌کردم که
قاطعانه دین را نفی می‌کنم. [...] و بعد، اندک‌اندک از
عقلانیت خسته شدم زیرا قادر نبودم به پرسش‌هایم پاسخ
گویم. پس تصمیم گرفتم از انگیزش‌های غیرعقلانی
استقبال کنم: از تجربه‌های هنری و عرفانی و مواجهه با
متون وحی. »

و در جایی دیگر:

« به تدریج از پوچ‌گرایی جدا شدم و به رمزوراز روی
آوردم، به این اندیشه که ممکن است معنایی بال‌بگسترده که
من آفریننده آن نباشم. با رسیدن به این اندیشه که آنچه را

من دریافت نمی‌کنم الزاماً مهم نیست، توانستم اعتماد را،
که از نظر من نسخه‌ای از ایمان است، جایگزین اضطراب
کنم. »

و فیلسوف به نویسنده تبدیل می‌شود، نویسنده‌ای که مدام
اسطوره‌ها و حکایات بنیان‌گذار را جذب می‌کند تا با خلاقیت
خستگی‌ناپذیر خود آن‌ها را از نو بنند.

در سال‌های دهه ۱۹۹۰، نمایش‌نامه‌هایش در چندین کشور با
اقبال بسیار روبه‌رو می‌شود. شب والونی^۱، که نسخه مدرنی است
از اسطوره دون ژوان، در ۱۹۹۱ موجب شهرت او در فرانسه
می‌شود.

سپس، مهمان ناخوانده، در ۱۹۹۳، سه جایزه از جوایز مولیر
را نصیب او می‌کند: بهترین نویسنده، بهترین نمایش و پدیده سال.
از آن پس، تدریس فلسفه در دانشگاه را رها می‌کند و تمام و کمال
به کار نگارش می‌پردازد.

در ۱۹۹۵، گلدن جو [جو طلائی]^۲، و در ۱۹۹۶،
دگرگونه‌های معمایی را می‌آفریند.

چند ماه بعد، یک تک‌گویی در باره آیین بودا انتشار می‌یابد با
عنوان میلارپا^۳، که در ۱۹۹۷ در جشنواره آوینیون و در ۱۹۹۹ در

1. *La Nuit de Valognes*

2. *Golden Joe*

3. *Milarepa*